

زندگی جدید در مسیح

درس 14

بخشش خدا

همان طور که به پایان دوره می‌رسیم وقت آن است که به کلیه دروس نگاه کنیم و به یاد آوریم که به دنبال چه چیزی در این دوره بودیم. ما از کتاب مقدس دریافتیم که زندگی جدید در مسیح کاملاً با زندگی معمول زنان و مردان قبل از تعمید متفاوت است. شاگردی به عهده به تعهد نیاز دارد مانند عیسی، و او می‌خواهند هزینه این شاگردی را قبل از تمام قبل از گرفتن تصمیم در نظر بگیریم.

'کیست از شما که قصد بنای برجی داشته باشد و نخست ننشیند تا هزینه آن را برآورد کند و ببیند آیا توان تکمیل آن را دارد یا نه؟

زیرا اگر پی آن را بگذارد اما از تکمیل بنا درماند، هر که ببیند، استهزا کرده، گوید: "این شخص ساختن بنایی را آغاز کرد، اما از تکمیل آن درمانده است!"

«و یا کدام پادشاه است که راهی جنگ با پادشاهی دیگر شود، بی‌آنکه نخست بنشیند و ببیند که آیا با ده هزار سرباز می‌تواند به رویارویی کسی رود که با بیست هزار سرباز به جنگ او می‌آید؟

و اگر ببیند که او را توان رویارویی نیست، آنگاه تا سپاه دشمن دور است، سخنگویی خواهد فرستاد تا جویای شرایط صلح شود.

به همین‌سان، هیچ‌یک از شما نیز تا از تمام دارایی خود دست نشوید، شاگرد من نتواند بود'. (لوقا 14: 28-33).

انتخاب برای شاگرد بودن خداوند عیسی مهمترین تصمیمی است که ما در زندگی می‌گیریم و بر روی ما در زمان حال و دوران پادشاهی اثر می‌گذارد.

بعضی اوقات مردم این انتخاب را رد می‌کنند چون آنها می‌گویند نمی‌توانند با استانداردهایی که از آن انتظار می‌رود زندگی کنند. این خیلی ناراحت کننده است. شاگرد بودن بار مسئولیت سنگین نیست که ما آن را وقتی تعمید می‌شویم به دست آوریم؛ بلکه دقیقاً برعکس این است. خداوند عیسی بار مسئولیت ما را که الان حمل می‌کنیم را از ما دور کرد.

«بیا بید نزد من، ای تمامی زحمتکشان و گرانباران، که من به شما آسایش خواهم بخشید.

یوغ مرا بر دوش گیرید و از من تعلیم یابید، زیرا حلیم و افتاده‌دل هستم، و در جانهای خویش آسایش خواهید یافت.

چرا که یوغ من راحت است و بار من سبک'» (مَتّی 11: 28-30).

وقتی یک شاگرد تعمید می‌شود، احساس فوق‌العاده‌ای از آزادی و صلح وارد زندگی او می‌شود. بار سنگین گناه از او برداشته می‌شود؛ آنها اکنون به خانواده خدا تعلق دارند، و هر اتفاقی برای آنها در این زندگی به وجود آید، آنها می‌دانند که خدا گفته است:

'زندگی شما بری از پولدوستی باشد و به آنچه دارید قناعت کنید، زیرا خدا فرموده است: «تو را هرگز و نخواهم گذاشت، و هرگز ترک نخواهم کرد.» پس با اطمینان می‌گوییم: «خداوند یاور من است، پس نخواهم ترسید. انسان به من چه تواند کرد؟» (عبرانیان 13: 5 و 6).

بخشی از این احساس از دانستن اینکه آزادی از گناه هدیه‌ای از طرف خداست، به هر طریقی به دست نیامده، و از طریق لطف خدا به ما داده شده است.

'اما خدایی که در رحمانیت دولتمند است، به‌خاطر محبت عظیم خود به ما،

حتی زمانی که در نافرمانیهای خود مرده بودیم، ما را با مسیح زنده کرد - پس، از راه فیض نجات یافته‌اید؛

و با مسیح برخیزانید و در جایهای آسمانی با مسیح عیسی نشانید،

تا در عصر آینده، فیض غنی و بی‌مانند خود را در مسیح عیسی، به واسطهٔ مهربانی خود نسبت به ما نشان دهد.

زیرا به فیض و از راه ایمان نجات یافته‌اید - و این از خودتان نیست، بلکه عطای خداست -

و نه از اعمال، تا هیچ‌کس نتواند به خود بیاید'. (فسسیان 2: 4-9).

بخشش یک کلمه دشوار برای تعریف است. ما می‌توانیم از آن به عنوان "لطف بدون استحقاق" یاد کنیم. ما سزاوار نجات از گناه نیستیم و نجات از طریق بخشش بزرگ خداوند نسبت به ما حاصل می‌شود. ما نجات یافته ایم به وسیله ایمانمان به فیض او.

ابتدا با کلمه "فیض" در زندگی نوح در پیدایش 6 آشنا می‌شویم.

"نوح در نظر خداوند فیض یافت" (پیدایش 6: 8).

توجه داشته باشید که نوح فیض را **پیدا کرد**. مفهوم آن این است که فیض چیزی است که ما باید به دنبال آن بگردیم. این چیزی است که یوحنا رسول هنگام نگارش انجیلش متوجه شد، و به ما آموخت ما فیض را با نگاه کردن به خداوند عیسی مسیح پیدا می‌کنیم (عیسی نمونه‌ای از فیض خداست).

'و کلام، انسان شد و در میان ما مسکن گزید. ما بر جلال او نگریستیم، جلالی شایسته آن پسر یگانه که از جانب پدر آمد، پر از فیض و راستی'. (یوحنا 1: 14).

'شما کتب مقدّس را می‌کاوید، زیرا می‌پندارید به واسطه آن حیات جاویدان دارید، حال آنکه همین کتابها بر من شهادت می‌دهند. اما نمی‌خواهید نزد من آید تا حیات یابید'. (یوحنا 5: 39 و 40).

ما بخشش خدا را پیدا می‌کنیم، رحمت بدون استحقاق از خدا، زمانی که کلامش را می‌خوانیم و مخصوصاً وقتی به زندگی خداوند عیسی مسیح را نگاه می‌کنیم و می‌بینیم انسانی را که مهربان و دلسوز است، کسی که حاضر شد به خاطر بقیه کشته شود.

"بخشندگی من برای شما کافی است"

ما می‌دانیم که شائول از تارسوس از دشمنان خاص شاگردان خداوند عیسی بود. او درگیر مرگ استیفان اولین شاگرد عیسی که به خاطر ایمانش درگذشت، بود. او می‌خواست که کلیساها را نابود کند و شاگردان را به زندان بیندازد (اعمال 8: 3). به ما در اعمال رسولان گفته می‌شود که او چگونه از اورشلیم به دمشق رفت تا شاگردان را در آنجا دستگیر کند. در راه عیسی رستخیز کرده بر او با قدرت و جلال ظاهر شد و او تبدیل به شاگردی شد که ما او را به عنوان پلوس رسول می‌شناسیم. پلوس با این تجربه کور شد و عیسی به او گفت که به دمشق برود. یک بار با حنانيا برخورد کرد، که کسی که بینایی او را به وی برگرداند.

'پس حنانيا رفت و به آن خانه درآمد و دستهای خود را بر او گذاشته، گفت: «ای برادر، شائول، خداوند یعنی همان عیسی که چون بدین‌جا می‌آمدی در راه بر تو ظاهر شد، مرا فرستاده است تا بینایی خود را بازیابی و از روح القدس پر شوی.»

همان دم چیزی مانند فلس از چشمان سولس افتاد و او بینایی خود را بازیافت و برخاسته، تعمید گرفت'. (اعمال 9: 17 و 18).

ایده‌های بسیاری در این مدرک وجود دارد. به اولین کلمه‌ای که حنانيا به پلوس گفته توجه کنید برادر این مردی است که برای به زندان انداختن حنانيا و دیگر شاگردان بهترین دمشق آمده بود! با این حال حنانيا می‌داند که عیسی او را به عنوان شاگرد فراخوانده، بنابراین او از اعضای خانواده خداست، او برادر مسیحی حنانيا خوانده خواهد شد. کلمه "برادر" معمولاً برای کسی که تعمید گرفته به کار می‌رود. در اینجا حنانيا از این کلمه استفاده می‌کند چون الهام مستقیمی از خدا درباره پلوس داشته بود. این احتمال وجود دارد که، وقتی پلوس بینایی‌اش را به دست آورد، اولین کسی که دید مردی بود

که معجزه را انجام داده بود و او حنانیا کسی بود که معنای اسمش "خدا بخشنده است". اولین مردی که او را دید کسی بود که نمایندگی بخشش خدا را داشت! حالا پلوس متوجه شده بود که او از گناهانش به وسیله بخشش نجات یافته نه فقط به خاطر اینکه بینایی فیزیکی را به دست آورد بلکه او می توانست چیزهای معنوی را نیز ببیند، زمانی که این اتفاق افتاد، اولین کاری که انجام داد این بود که تعمید گیرد.

پلوس به ما گفته که هنگام سفر برای موعظه انجیل (خبر خوش) رنج‌های وحشتناکی را تحمل کرده، یک مورد که واقعا ناراحت کننده بود، بیماری بود که قابل درمان نبود. و برای برطرف شدن بیماری سه مرتبه دعا کرد و جواب خدا به او این بود:

"فیض من تو را کافی است، زیرا قدرت من در ضعف به کمال می رسد." (دوم قرنتیان 12: 9)

این امکان وجود دارد که خدا از او خواسته بود که حنانیا، و چگونگی دادن دید معنوی سال‌های پیش را به یاد آورد. و در تمام شرایط پلوس به خاطر می آورد آن بخشش که خدا به او داده بود و باید نیرومندان با تمام چالش‌ها، در زندگی شاگردی روبه‌رو می‌شد او در زندان نوشت:

'بلکه همه چیز را در قیاس با ارزش برتر شناخت خداوند مسیح عیسی، زیان می‌دانم، که به‌خاطر او همه چیز را از کف داده‌ام. آری، اینها همه را فضا می‌شمارم تا مسیح را به دست آورم

و در او یافت شوم، نه با پارسایی خوشتن که از شریعت است، بلکه با آن پارسایی که از راه ایمان به مسیح به دست می‌آید، آن پارسایی که از خداست و بر پایه ایمان.

می‌خواهم مسیح و نیروی رستاخیزش را بشناسم و در رنج‌های او سهیم شده، با مرگش هم‌مشل گردم،

تا به هر طریق که شده به رستاخیز از مردگان نایل شوم'. (فیلیپیان 3: 8-11).

او انسانی بود که شغل، دوستان، ثروت، جایگاه و سلامتی‌اش را برای خداوند عیسی را از دست داد. با این حال به ما می گوید اینها برای او چیزی نبود، ما می دانیم و قدرتی که او از درک فیض خدا به دست آورد تا آخر عمر با او ماند. مانند برخی از آخرین سخنرانی که او به ما گفت:

'زیرا فیض خدا به ظهور رسیده است، فیضی که همگان را نجات‌بخش است

و به ما می‌آموزد که بی‌دینی و امیال دنیوی را ترک گفته، با خوشتنداری و پارسایی و دینداری در این عصر زیست کنیم،

در حینی که منتظر آن امید مبارک، یعنی ظهور پر جلال خدای عظیم و نجات‌دهنده خویش عیسی مسیح هستیم،

که خود را فدای ما ساخت تا از هر شرارت رهایی‌مان بخشد و قومی برای خود ظاهر سازد که از آن خودش باشند و غیور برای کار نیکو'. (تیتوس 2: 11-14).

بنابراین همانطور که حنا نیا "خدا بخشنده است" به پلوس ظاهر شد، پس خدا فیضش را به ما نشان داد. ما در مورد خداوند عیسی مسیح **می‌دانیم**، که او که در بخشش را **یافته‌ایم**.

این قدردانی برای چیزهایی است که قلب ما را پر می‌کند و ما را تقویت می‌کند در تصمیم‌گیری در مورد دنبال کردن خداوند عیسی برای بدون به عنوان شاگرد حقیقی. این فیض خداست که به ما عطا کرده که به ما نشان می‌دهد که چگونه در طول زندگی‌مان با دیگران به مهربانی رفتار و صحبت کنیم. (کولسیان 4: 6). می‌دانیم که ممکن است بارها ناکام شویم، این را هم می‌دانیم، که اگر گناهان خود را به خداوند اعتراف کنیم، او با وفا است و در دم ما را میبخشد. ما می‌دانیم که نیرو و توانایی عدالتی که از طرف خدا می‌آید را برای خدا نداریم. این فیض اوست که به ما می‌آموزد به این زندگی برگردیم و به عنوان شاگردان خداوند عیسی مسیح دنباله‌روی او باشیم؛ و این فیض اوست که به ما که ما را به انجام کارهای خوب مشتاق می‌کند و ما را به پادشاهی خود می‌رساند.

«کسی که به این چیزها شهادت می‌دهد می‌گوید، "مطمئنأً من به زودی می‌آیم."»

آمین. بیا ای، خداوند عیسی!

لطف خداوند عیسی با همه باشد. آمین»